

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال دوم شماره ۳۶

۹ مرداد ۱۳۹۵ / ۳۰ جولای ۲۰۱۶

حقوق ما

کپی رایت



کنوانسیون برن، پیوستن یا نپیوستن؟



ایران جزیره‌ای متروک در کپی‌رایت



قلب روح کپی‌رایت: یک تاریخچه



آسیب‌های اجتماعی عدم رعایت کپی‌رایت و نبود ساز و کارهای محدودکننده

در گفت‌وگو با سعید پیوندی



کپی‌رایت اسلامی، فقط برای مصرف داخلی



نرم‌افزار؛ متن‌های باز یا بسته



آمار و نکاتی پیرامون قانون کپی‌رایت

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: علی مهتدی

تحریریه: کامبیز غفوری، نعیمه دوستدار، آرش بهمنی، آیدا قجر

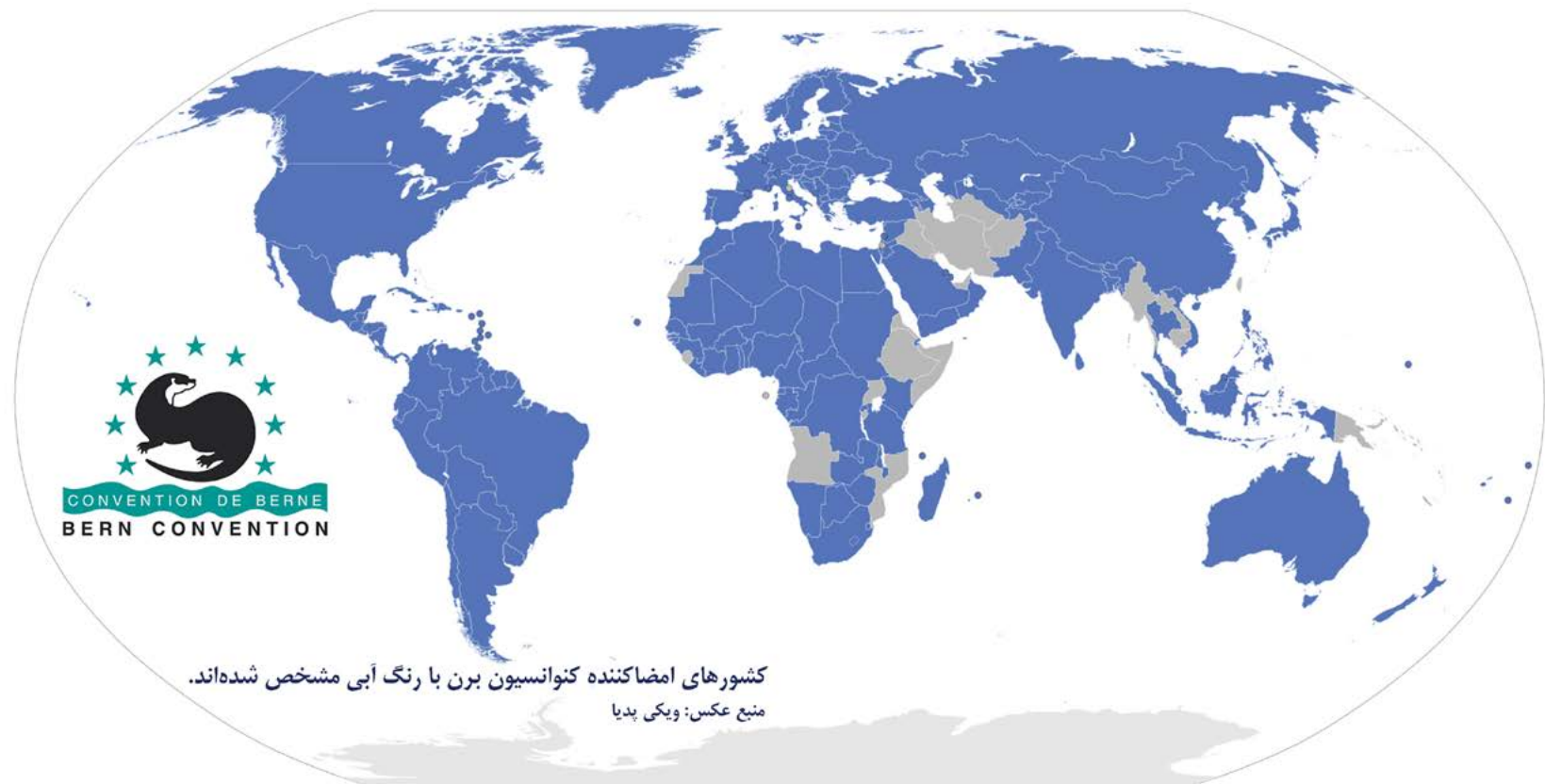
صفحه بندی: ماهور خوش‌قدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی‌فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست



کنوانسیون برن، پیوستن یا نپیوستن؟



علی مهددی

منحصر به شهر ونیز بود. عاملی که باعث تصویب این قانون شد، اختراع ماشین تحریر توسط گوتنبرگ در سال ۱۴۴۰ بود، به طوری که با ثبت و تکثیر گسترده آثار فکری و نوشتاری، بحث استفاده مولف از حقوق اثری که خلق کرده مطرح شد. بعدتر در دوره انقلاب صنعتی بسیاری از کشورها به این نتیجه رسیدند که قوانینی را برای حفظ حقوق صاحبان اثر وضع کنند. نخستین اقدام جدی برای تصویب قانون حمایت از حقوق مولف در سال ۱۸۸۳ و نشست پاریس صورت گرفت. اشکال قانونی که در آن سال وضع شد این بود که حق مولف و صاحب اختراع را تنها در محدوده مرزهای کشورها به رسمیت می‌شناخت و جنبه جهانی نداشت. سه سال بعد و در سال ۱۸۸۶ معاهده برن به تصویب رسید که تکمیل‌کننده توافق پاریس بود. توافق‌نامه پاریس تنها حقوق صاحبان اختراعات را مورد حمایت قرار داده بود ولی در نشست برن، دامنه این حقوق گسترش یافت تا شامل آثار ادبی و هنری نیز شود. قانون حمایت از حقوق مولف در واقع حق استفاده از تمامی حقوق مادی و معنوی یک اثر قابل مشاهده را به صاحب

آن اثر داده و تمامی آثار مکتوب، اختراعات، محصولات هنری، آرم‌ها و نشان‌ها و ... را در بر می‌گیرد. قانون آمریکا، موارد زیر را شامل قانون کپی‌رایت می‌داند:

- آثار ادبی
- آثار موسیقی و اشعار آنها
- آثار نمایشی و موسیقی به کار رفته در آنها
- آثار بدون صدا مانند پانتومیم و رقص
- آثار گرافیکی، مجسمه‌ها و آثار مصور
- انیمیشن‌ها و تمامی آثار سمعی و بصری
- صداهای ضبط شده
- آثار معماری

علیرغم این‌که تصویب قانون مذکور و بعدتر تکمیل آن در سال‌های و دهه‌ها بعد ناشی از نیازی در جامعه بوده، اما قانون کپی‌رایت هنوز هم محل بحث و مناقشه است. بسیاری از کشورها به کنوانسیون جهانی حمایت از حقوق مولف نپیوسته‌اند و معتقدند که قانون کپی‌رایت عملاً تبدیل به ابزاری در دست سرمایه‌داران تبدیل شده که با توسل به آن مبالغ کلانی را برای استفاده از آثار تولید شده در کشورهای غنی طلب کنند. عدم توانایی کشورهای جهان سوم در پرداخت هزینه‌های مالی حق استفاده از آثار عملاً باعث می‌شود روند انتقال علم و تکنولوژی به این کشورها بسیار کند و چه بسا متوقف شود.

در مقابل، حامیان پیوستن به قانون جهانی کپی‌رایت معتقدند که پیوستن به این قانون به شکل کلی باعث پیشرفت بشر می‌شود، چرا که با اهتمام به این قانون در واقع از صاحب یک اثر یا اختراع حمایت می‌شود و این روند باعث می‌شود ابتکارها، آثار و اختراعات دیگری تولید شود و در نهایت پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای جوامع حاصل شود.

در ایران نخستین بار در سال ۱۳۴۸ قانون وضعیت حفظ حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آثار هنری به تصویب رسید که بر اساس آن، تمامی حقوق آثاری که از راه دانش و ابتکار پدید می‌آید متعلق به صاحب آن اثر است. علیرغم گذشت نزدیک به نیم قرن از وضع این قانون، هنوز هم مشکلات زیادی در راه اجرای آن وجود دارد. هر چند ایران در سال ۱۳۸۰ به کنوانسیون مادرید برای ثبت علائم (لوگو) ملحق شد، ولی هنوز مایل به پیوستن به کنوانسیون برن در حمایت از کپی‌رایت نیست.

با توجه به بحث‌های موافق و مخالف پیوستن به کنوانسیون جهانی کپی‌رایت و همچنین تغییراتی که قوانین جهانی در عصر اینترنت کرده، در این شماره از مجله حقوق ما به موضوع کپی‌رایت پرداخته‌ایم.

کامییز غفوری در مطلبی با عنوان «قلب روح کپی‌رایت: یک تاریخچه» به مفهوم کپی‌رایت و تاریخ و روندی که منجر به تصویب قوانین مختلف در این زمینه شد و همچنین به قانون کپی‌رایت در آمریکا و قانون معروف سونی بونو پرداخته است.

آیدا فجر در مصاحبه با سعید پیوندی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در فرانسه، آسیب‌های اجتماعی عدم رعایت کپی‌رایت و نبود ساز و کارهای محدودکننده را بررسی کرده است.

نعیمه دوستدار در گزارشی با عنوان «کپی‌رایت اسلامی، فقط برای مصرف داخلی» حق مولف در اسلام و نگاه شرعی و فقهی به آن را واکاوی کرده است.

آرش بهمنی در مطلبی با عنوان «نرم‌افزار، متن‌های باز یا بسته» با نگاهی به قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، به استدلال مخالفان پیوستن به قانون کپی‌رایت پرداخته است.

در یادداشت حقوقی این شماره با عنوان «ایران، جزیره‌ای متروک در کپی‌رایت» محمد اولیایی‌فرد وکیل پایه یک دادگستری و عضو اتحادیه بین‌المللی وکلا، قانون حمایت از حقوق مولف در ایران را مورد بررسی قرار داده است.



محمد اولیایی‌فرد

مالکیت فکری یا مالکیت معنوی به عنوان حقوق قانونی صاحب اندیشه یا ایده یا پدیدآورنده یک ابزار جدید یا اثر بدیع یا یک نوآوری و ابتکار بی نظیر، شامل مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی می‌شود. کپی رایت که از مباحث حقوق مالکیت ادبی و هنری بوده، حقی است که به موجب آن به پدیدآورنده اثر ادبی اجازه داده می‌شود که نسبت به انتشار و فروش اثر ادبی، هنری یا علمی خویش تصمیم بگیرد. در واقع کپی‌رایت به صاحب اثر اجازه می‌دهد تا در مورد چاپ یا عدم چاپ اثر ادبی خودش، یگانه مرجع تصمیم‌گیرنده بوده و مانع از تعرض و تصمیم‌گیری غیرمجاز هر شخص نسبت به آن شود.

بنابراین کپی رایت را می‌توان تمهیدی قانونی برای حمایت پدیدآورندگان یا تولید کنندگان آثار ادبی، هنری و علمی به شمار آورد که در تمامی کشورها از جمله ایران مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. کپی‌رایت اولین بار در ایران تحت عنوان قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در دی ماه سال ۱۳۴۸ در ۳۳ ماده به تصویب رسید. در این قانون، حقوق مادی و اخلاقی پدیدآورنده اثر مورد توجه و حمایت قانونی قرار گرفته است. ماده ۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در این خصوص بیان می‌دارد «حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر او است».

منظور از حقوق مادی در این قانون در واقع توجه به جنبه اقتصادی اثر است که به حق بهره‌برداری انحصارگرایانه از مزایای اقتصادی و مادی یک اثر تعلق می‌گیرد و دارنده این حق می‌تواند به صورت مستقیم با کپی‌برداری، نشر، اجرا، اجاره، عرضه و ارایه اثر به عموم، پخش و ضبط اثر و تهیه فیلم و استفاده از پاداش و جایزه آن یا به صورت غیر مستقیم از طریق حق تبدیل و ترجمه اثر، امتیازهای مالی اثر را استیفا و دیگران را از تعرض نسبت به آن منع کند. حقوق مادی البته قابل انتقال است. در واقع پدیدآورنده اختیار دارد از منافع مالی اثرش شخصا بهره‌برداری کرده یا استفاده از آن را به

غیر واگذار کند. بنا بر این مطابق ماده ۵ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان؛ کلیه حقوق مادی پدیدآورنده، قابل انتقال به غیر است و این قابلیت به موجب قرارداد و یا از طریق ارث و وصیت منتقل می‌شود.

حمایت قانونی از حقوق مادی اما محدود به زمان معینی است که مطابق ماده ۱۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، این مدت سی سال از تاریخ مرگ صاحب اثر است. عده ای دلیل این محدودیت را استفاده عموم و امکان دسترسی جامعه به اثر تلقی می‌کنند و عده دیگری فایده‌گرایی، نفی انحصارطلبی، منافع جامعه، ایجاد زمینه رقابت، تشویق و ترغیب پدیدآورندگان این آثار را مبنای حمایت کوتاه مدت می‌دانند. برخی دیگر نیز با توسل به مفهوم دانش جمعی به این شکل که پدیدآورنده به دانش جمعی چیزی افزوده است، تا تقسیم منافع به لحاظ مرور زمان پذیرفتنی باشد، دلیل این محدودیت را توجیه می‌کنند.

علاوه بر حقوق مادی، حقوق اخلاقی پدیدآورنده اثر نیز در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مورد توجه و حمایت قرار گرفته است. این حقوق که مرتبط با شخصیت پدیدآورنده اثر است در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان

و هنرمندان تحت عنوان «حقوق معنوی» مطرح شده که به موجب آن کلیه اشخاص در به رسمیت شناختن مالکیت اخلاقی مؤلف و انتساب آن به وی ملزم هستند، بدون این که حق تجاوز به تمامیت اثر یا بخشی از آن داشته باشند. بنا بر این می‌توان قلمرو حقوق اخلاقی را شامل حق انتساب اثر به پدیدآورنده آن، حق حرمت و تمامیت اثر، حق تصمیم‌گیری، حق عدول و حق استرداد دانست. بدین ترتیب در پناه این قانون، اثر فکری از هر نوع تغییر، تبدیل، نقص اثر که موجبات ورود لطمه به حیثیت، شرافت و شهرت صاحب آن است، مصون می‌ماند. مطابق ماده ۴ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیر قابل انتقال است.

طبق ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، آثاری که باید به لحاظ حقوق مادی و اخلاقی مورد حمایت قرار گیرند عبارتند از: ۱- کتاب، رساله، جزوه، نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی، فنی و ادبی و هنری؛ ۲- شعر، ترانه، سرود و تصنیف به هر ترتیب و روشی که نوشته و ضبط و نشر شده باشد؛ ۳- اثر سمعی و بصری، به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش رادیو یا

تلویزیون، به هر ترتیب و روشی که نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد؛ ۴- اثر موسیقی، به هر ترتیب و روشی که نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد؛ ۵- نقاشی، تصویر طرح، نقشه جغرافیایی ابتکاری، خط‌های تزئینی و هر گونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر ترتیب و روشی به صورت ساده یا تزئینی به وجود آمده باشد؛ ۶- هر گونه پیکره (مجسمه)؛ ۷- اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان؛ ۸- اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد؛ ۹- اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقش قالی و گلیم؛ ۱۰- اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور)، میراث فرهنگی و یا هنر ملی پدید آمده باشد؛ ۱۱- اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکاری داشته باشد؛ ۱۲- هر گونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل، پدید آمده باشد.

البته برخورداری آثار مذکور از حقوق مادی و اخلاقی مشروط به رعایت برخی ضوابط و قواعد خاص است که از سوی دارنده اثر صورت می‌گیرد. این شرایط را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

۱- اصیل و ابتکاری بودن اثر، به این معنی که اثر حاصل

ابتکارعمل و مظهر شخصیت پدیدآورنده باشد و به طور مستقل و شخصا توسط پدیدآورنده تهیه شده باشد و نو بودن آن از لحاظ نوعی ضروری نیست؛

۲- محسوس بودن شکل اثر، یعنی اثر باید به مرحله عینیت و ظهور برسد و نمایان شود، بنا بر این کپی‌رایت از هیچ گونه ایده و برنامه‌ای که به عرصه ظهور نرسیده و اجرا و نمایان نشده باشد، حمایت نمی‌کند؛

۳- اعلان مشخصات و ثبت اثر. در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، سخنی از لزوم اعلان مشخصات به میان نیامده است. همچنین ثبت اثر مطابق ماده ۲۱ نیز اختیاری است. با این حال مزیت انجام این شرط به لحاظ انتساب اثر به مالک آن یا جلوگیری از چاپ و انتشار آن اثر از کانال‌های قانونی است. بنا بر این هرچند طبق ماده ۲۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، ثبت اثر برای تعقیب کیفری متخلفان ضروری نیست؛ اما با رعایت این شرط، دست کم در موارد بروز اختلاف و اقامه دعوی در دادگاه، انتقال بار اثبات دعوی بر عهده طرف دیگر خواهد بود، همچنین سرعت وصول به حق و تعیین زمان شروع حمایت‌ها و نیز اثبات تقدم زمانی در مورد دو اثر مشابه دارای اهمیت است که دستیابی به موارد صرفا با ثبت اثر محقق می‌شود.

۴- مشروعیت اثر، یعنی اثر از حیث شرعی خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشند. بنا بر این آثار فکری توهین‌آمیز یا مستهجن در پرتو حمایت قانون‌گزار قرار نمی‌گیرند؛ بلکه تولید این آثار فی‌نفسه دارای مجازات است. البته این شرط در قوانین مربوط به حق مؤلف مورد تصریح قرار نگرفته؛ ولی از آن‌جا که بنای قانون‌گزار بر حمایت از منافع و مصالح اجتماعی بوده و دولت نیز پاسدار ارزش‌های جامعه است، بنا بر این اثری که برخلاف نظم و مصلحت جامعه باشد، خود به خود از دایره حمایت‌های قانونی خارج می‌شود

۵- چاپ، پخش، نشر یا اجرای اثر برای نخستین بار در ایران. این شرط که در ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان تصریح شده، فقط برای حمایت از حقوق مادی پدیدآورنده است و الا حقوق اخلاقی پدیدآورنده بدون رعایت این شرط نیز قابل حمایت است.

البته قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان دارای ضمانت اجرایی کیفری است. طبق این قانون، هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالماً عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کند، به حبس تأدیبی از شش ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.

هم‌چنین هر کس بدون اجازه ترجمه دیگری را به نام خود

یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. هر گونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده یا عدم درج نام پدیدآورنده و مشخصات چاپ‌خانه‌ها و بنگاه‌ها، کارگاه‌ها و اشخاصی که به چاپ یا نشر یا پخش یا ضبط و یا تکثیر اثرهای مورد حمایت می‌پردازند و نیز سوء استفاده از نام و عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف اثر است، طبق این قانون مجازات حبس از سه ماه تا یک سال را در پی خواهد داشت .

به لحاظ شریعت نیز اگر چه در زمان شارع این نحو از مالکیت به اقتضای زمان وجود نداشت؛ اما از نظر فقهای معاصر کپی‌رایت، به عنوان مالی که عمومات حرمت مال شامل آن می‌شود، شناسایی شده است .

نتیجه

قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ ماهیتاً جنبه سرزمینی دارد؛ یعنی حمایتی که به موجب این قانون به حق مؤلف اعطا شده، فقط در قلمرو کشور ایران قابل حصول است. به همین لحاظ است که یک ایرانی می‌تواند از آثار چاپ شده در خارج از کشور نسخه‌برداری یا آن‌ها را ترجمه کند، بدون اینکه مالک آن بتواند نسبت به اقدام او در محاکم ایرانی طرح دعوی کند. هم‌چنین برعکس، تولیدات و اثرات ایرانی نیز در خارج از کشور بدون اینکه حقوق پدیدآورنده ایرانی در نظر گرفته شود مورد نسخه‌برداری یا ترجمه قرار می‌گیرد . البته طرح جبران خسارت از باب مسوولیت مدنی برای مالک اثر فکری به هر حال متصور است. در هر حال تا زمانی که ایران کنوانسیون برن را امضا نکرده و به این پیمان به عنوان مرجع اصلی حمایت از کپی‌رایت در عرصه بین‌المللی ملحق نشود، جزیره‌ای متروک در کپی‌رایت خواهد بود .

منابع:

- ۱- صالحی، جواد؛ کپی‌رایت و تعامل آن با مالکیت فکری، تعالی حقوق،
- ۲- صفایی، حسین؛ مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ۳- ساعد وکیل، امیر؛ حمایت از مالکیت فکری در سازمان جهانی تجارت و حقوق ایران، انتشارات مجد، تهران.
- ۴- کاتوزیان، ناصر؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت، نشر دادگستر، تهران.
- ۵- عبادی، شیرین؛ حقوق ادبی و هنری، نشر چشمه، تهران.

قلب روح کپی‌رایت: یک تاریخچه



کامبیز غفوری

کپی‌رایت از اساس مفهومی زادهٔ دنیای مدرن است و در نظام سرمایه‌داری و اقتصاد بازار آزاد مبتنی بر مالکیت خصوصی است که تحت عنوان مالکیت خالق اثر بر چیزی که خلق کرده است، معنا می‌یابد. هر سیستم مستقری بالطبع قوانین خود را وضع می‌کند و قوانین حقوقی امروز در حوزهٔ اقتصادی نیز عمدتاً بر مبنای سیستم مستقر تدوین شده‌اند.

بنابراین، کپی‌رایت به یک بیان، قانونی از قوانین لیبرالیسم اقتصادی است. جان لاک، نظریه‌پرداز قرن ۱۷ انگلیس و یکی از پدران لیبرالیسم اقتصادی، عقیده داشت که مالکیت بر کالاها با کاری که

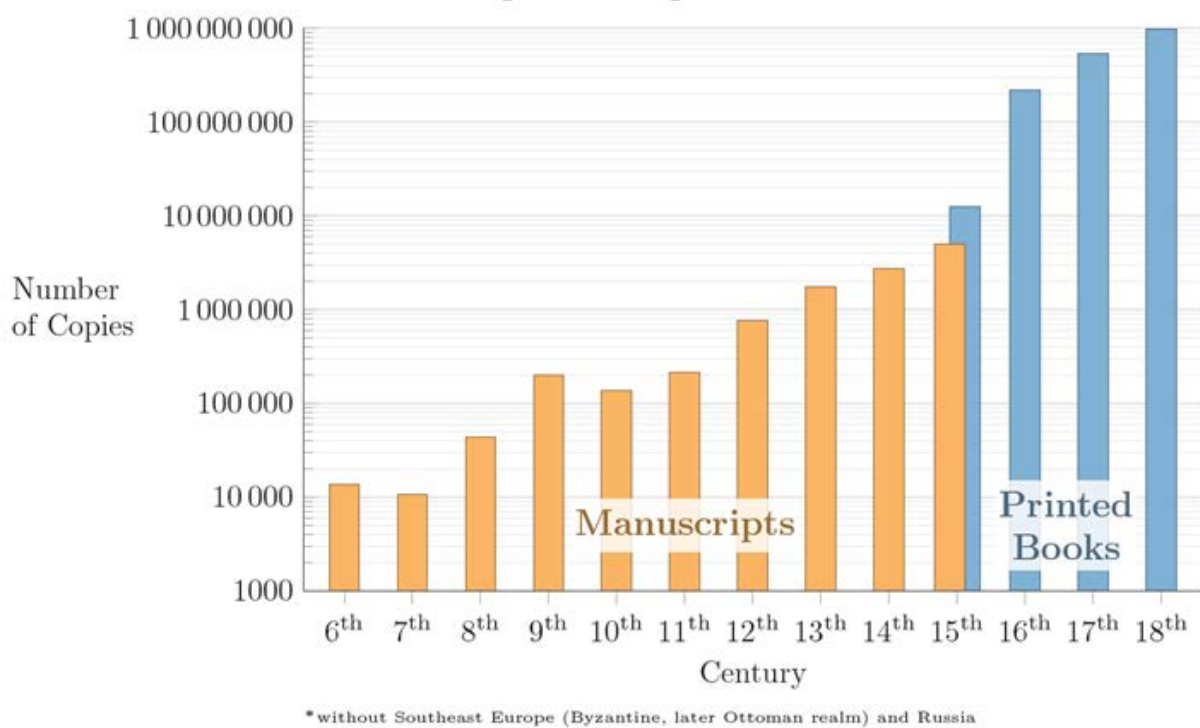
برای تولید کالاها انجام شده یا دارایی‌هایی که برای تولید کالاهای مفید برای جامعه بشری مصرف می‌شود، توجیه می‌یابد. به عقیدهٔ او، میزان کاری که انسان بر روی مواد خام کم‌ارزش طبیعی انجام می‌دهد، آن محصول را تبدیل به کالا می‌کند و بهای کالا بسته به میزان کاری است که برای ساخت و تولید آن انجام می‌شود.

دورهٔ زندگی لاک، نیوتن و ده‌ها اندیشمند و دانشمند دیگر، زمانی بود که دوران طلایی تفکر بشر فرا می‌رسید. علم نقشی اساسی در زندگی انسان‌ها بر عهده می‌گرفت و از قضا، نخستین مباحث مربوط به کپی‌رایت نیز در این زمان نضج گرفت و همان‌طور که در این مقاله خواهیم دید، جان لاک شخصاً در بخشی از آن سهمیم بود. کپی‌رایت و مالکیت بر آثار علمی، هنری و ادبی، چه راهی را از آن زمان تا کنون، در دو کشور انگلستان و آمریکا به عنوان جامعهٔ نمونهٔ ما در این گزارش، طی کرده‌اند؟ آیا قوانین کپی‌رایت امروزه همان مفهومی را پی می‌گیرند که واضعان آن در نظر داشتند؟

مذهب، سیاست و ثروت؛ خالقان اصلی کپی‌رایت

تا قبل از تحول صنعت چاپ و نشر که در پی اختراع حروف چاپی متحرک به دست یوهانس گوتنبرگ در قرن ۱۵ میلادی صورت گرفت، تولید کتاب دست‌نویس در اروپا به زحمت به چندصد هزار

European Output of Books 500–1800*



شرح نمودار: آمار کتاب‌های دست‌نویس و چاپی از سال ۵۰۰ تا ۱۸۰۰؛ مالکیت اثر: ژورنال تاریخ اقتصادی؛ جلد ۶۹؛ شماره ۲ (۲۰۰۹)

گزارش

نسخه در یک قرن می‌رسید. با این حال در قرن شانزدهم، بیش از یکصد میلیون نسخه کتاب در این قاره منتشر شده بود.

خیلی زود خوشحالی کلیسا از بابت انتشار نخستین انجیل‌های چاپی و گسترش سریع کتاب‌های مذهبی، به نگرانی تبدیل شد زیرا انتقاد، پرسش و تشکیک نیز به همان سرعت قابلیت اشاعه داشت. دومین نهاد ناراحت، بنیاد سلطنت بود.

همچنین درگیری‌ها میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها در سیستم سیاسی انگلستان و جدال شاه هنری هشتم با پاپ و کلیسای کاتولیک رومی بر سر طلاق ملکه کاترین و ازدواج با ان بولین، منجر به جداکردن کلیسای انگلستان از کلیسای رومی به دست هنری هشتم و تغییر زیرساخت تشکیلات مذهبی مسیحی در این کشور شد.

این تغییرات که منشاء تحولات جدی سیاسی در یکی از قدرت‌مندترین کشورهای آن زمان اروپا شده بود، نقش انتشارات را به عنوان یک ارگان تبلیغی سیاسی-مذهبی حیاتی می‌ساخت و لزوم کنترل آن رفته‌رفته نمایان می‌شد.

از سوی دیگر، شرایط اقتصادی جهان در آن عصر رو به تغییر گذاشته بود. بندیکت آتکینسون و برایان فیتزجرالد در کتاب تاریخ مختصر کپی‌رایت می‌نویسند: «در دوران سلطنت هنری هشتم، طبقه تاجران و سیاستمداران انگلیسی که ناشران و کتاب‌فروشان نیز در آن زمره بودند، خود را از آخرین حلقه‌های تسبیح اقتصاد رها کرده و نفع شخصی و سودبری، نخستین اولویت عملکرد آنان شده بود». (ص ۱۸)

این طبقه، پس از تغییرات سیاسی هنری هشتم قادر به پی‌گیری منافع خود شدند زیرا «هنری یک برنامه فرامعمول را در پیش گرفته بود که امروزه خصوصی‌سازی نامیده می‌شود؛ یعنی ایجاد ملک خصوصی از املاک عمومی». خصوصی‌سازی هنری دامن کلیسای کاتولیک را گرفت و بسیاری از املاک صومعه‌ها به بخش خصوصی فروخته شدند. «انحلال صومعه‌ها بخش وسیعی از مساحت انگلستان را در اختیار بخش خصوصی قرار داد… و عمل خصوصی‌سازی، شامل مصادره و ضبط، عنصر مالکیت، به روش پذیرفته‌شده برای خلق صنایع و تولید ثروت بدل شد». (همان) صاحبان صنایع و سرمایه‌داران جدید، به زودی دریافتند که نیازمند اثر گذاشتن و فشار آوردن بر سیستم سیاسی هستند؛ فشار لابی‌هایی که -همان‌گونه که در بررسی قانون سونی-بونو خواهیم دید- از هنری هشتم شروع شد و تا امروز ادامه دارد. اتکینسون و فیتزجرالد معتقدند که دوران این پادشاه هم از لحاظ تغییر سیستم اقتصاد و هم از نظر شرایط ملتهب سیاسی، نخستین زادگاه خلق کپی‌رایت به شمار می‌آید.

هنری هشتم خود را با سلطهٔ مذهبی قدیمی درانداخته و املاک کلیسا را مصادره کرده بود. کلیسای کاتولیک نیز که پیروان بسیار داشت، بی‌کار نمی‌نشست و با انتشار نوشته‌های متعددی، او را ملحد معرفی می‌کرد. در پی چند شورش، هنری به این نتیجه رسید که باید دست به سانسور بزند.

حقوق ما

در سال ۱۵۳۸ و در میانهٔ مصادرهٔ صومعه‌ها، او با صدور فرمانی، هرگونه انتشار کتاب را بدون تأیید و نظارت یک شورای مخصوص، قدغن اعلام کرد. صنف ناشران و کتاب‌فروشان که پس از تحول سیستم چاپ قدرت اقتصادی قابل ملاحظه‌ای یافته و در آن هنگام در قالب تشکیلاتی به نام شرکت استیشنرز با نام کامل «شرکت معظم نوشت‌افزار فروشان و تولیدکنندگان روزنامه» فعالیت می‌کرد، از شاه خواست تا به آن‌ها اجازه دهد تا به نیابت از دستگاه سلطنت، دست به سانسور بزنند.

شاه با این درخواست ناشران مخالفت کرد اما آن‌ها عقب ننشستند و به لابی خود برای متقاعد نمودن دستگاه سلطنت برای اعطای مجوز انحصار نشر به آنان، ادامه دادند.

نخستین «فرمان» رسمی انحصار نشر

در پی مرگ هنری هشتم در سال ۱۵۴۷، به ترتیب شاه ادوارد ششم و ملکه مری یکم به تخت نشستند. اولی که محصول ازدواج هنری با همسر سومش بود، در ۹ سالگی به پادشاهی رسید. انگلستان در دوران او که شش سال بعد درگذشت و هرگز به سن قانونی نرسید، توسط شورای نیابت سلطنت اداره می‌شد و در این مدت، تلاش برای اشاعهٔ پروتستانتیزم، یکی از دلایل درگیری‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی بود.

لیکن متعاقب مرگ ادوارد در ۱۵۵۳، ملکه مری یکم با پیروزی در یک جنگ قدرت داخلی، به تخت نشست. او دختر ملکه کاترین، همسر اول هنری هشتم بود که شاه برای طلاق دادن مادرش رو در روی پاپ و کلیسای کاتولیک قرار گرفت. مری که کینه‌ای دیرینه بابت این اتفاق داشت، کشور را به آئین کاتولیک بازگرداند و حدود ۳۰۰ تن از شخصیت‌های متنفذ پروتستان را -اغلب با زنده‌سوزاندن در آتش- اعدام کرد. او با لقب مری خونین شناخته می‌شود.

در دوران ملتهب سلطنت مری، او بسیار نگران شکست پروپاگاندای کاتولیک در برابر پروپاگاندای پروتستان‌ها بود. تمرکز حق نشر در یک‌جا، می‌توانست به این امر کمک کند. با پیشنهاد شرکت استیشنرز برای حق امتیاز انحصار نشر در انگلستان در برابر تعهد به سانسور هر محتوای ضد کاتولیکی و ضد سلطنت مری، سرانجام فرمان اعطای این امتیاز که شرکت دو دهه به دنبال آن بود، در روز چهارم ماه مه سال ۱۵۵۷ از جانب مری یکم صادر شد.

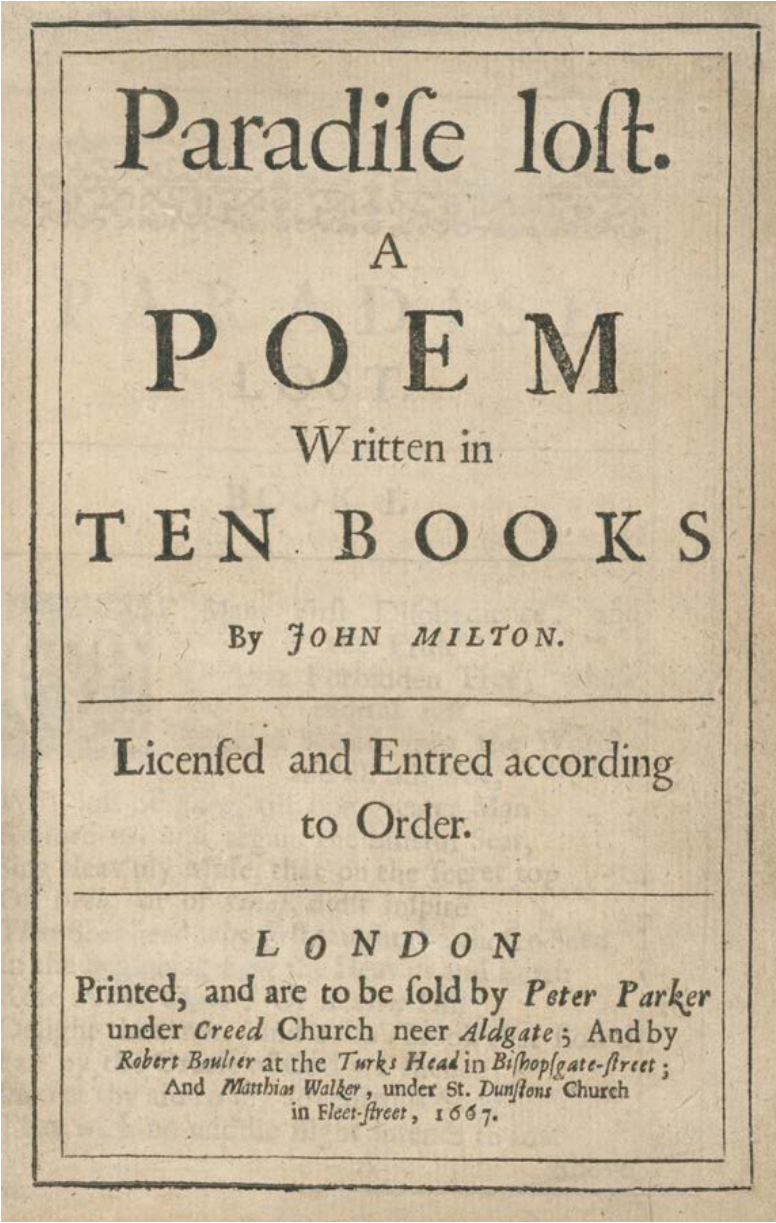
بدین‌ترتیب هرگونه محتوا برای انتشار می‌بایست در این شرکت ثبت شود؛ فعالیت هر ناشری خارج از چارچوب کمپانی قدغن بود و هیچ ناشری نیز نمی‌توانست اثر ناشر دیگر را بازنشر کند؛ در واقع، با ثبت در کمپانی استیشنرز، یک فرد می‌توانست مادام‌العمر از تمام مزایای نشر کتابش استفاده کند. این حق انحصار، «کپی‌رایت» نام گرفت.

ملکه مری یک سال بعد درگذشت. پس از او، ملکه الیزابت یکم که محصول ازدواج دوم شاه هنری هشتم بود، به تخت نشست. با آمدن او تمام تلاش‌های ناخواهری‌اش «مری خونین» برای اشاعهٔ کاتولیسیسم ناکام ماند اما اختراع او «کپی‌رایت» که با هماهنگی

۱۱

جولای ۲۰۱۶/ مرداد ۱۳۹۵

حقوق ما



شرح تصویر: روی جلد کتاب بهشت گم‌شده، اثر جان میلتون. ذیل عنوان کتاب و نام نویسنده، قید شده که این اثر طبق فرمان قانونی، مجوز دریافت کرده و ثبت شده است.

یک شرکت سرمایه‌گذار ایجاد شده بود، بر جای ماند.

کمپانی اقتصادی، لابی‌گر سیاسی

استیشنرز که با در دست داشتن ابزار قوی تبلیغاتی و سرمایهٔ کافی، یک بازوی مذاکره‌کننده یا به عبارتی یک لابی قوی و اثرگذار در دستگاه قدرت تشکیل داده بود، منافع خود را پی می‌گرفت. از همه مهم‌تر، این دستگاه برای حفظ نفوذ خود، بسیار پراگماتیک و انعطاف‌پذیر عمل می‌کرد. بنا بر مطالبهٔ وقت، زمانی منویات پادشاهان متمایل به پروتستانتیزم، گاهی ادبیات کاتولیسیسم، چندی کالوینیسم و سپس انگلیکان‌ها را اشاعه می‌داد.

یک‌صد سال بعد از ملکه مری، مناسبات قدرت در انگلیس تغییر کرده بودند. جنگ‌های داخلی میان سلطنت‌طلب‌ها و

گزارش

جمهوری‌خواهان پس از چندین سال خون‌ریزی با پیروزی گروه دوم به رهبری الیور کرامول پایان یافت. کرامول پس از اعدام شاه چارلز یکم اعلام جمهوری کرد و وقتی با مخالفت نجیب‌زادگان مجلس مواجه شد، آن را منحل کرد و به روایتی دستور داد روی در آن بنویسند: «اجاره داده می‌شود».

لیکن این اولین و آخرین رئیس جمهور انگلستان، در سال ۱۶۵۸ درگذشت و متعاقب مرگ او، پارلمان از چارلز دوم دعوت کرد که بیاید و به تخت بنشیند. چارلز دوم، دستور داد تا جسد کرامول را نبش قبر، سرش را از بدن جدا کنند و بر سر نیزه‌ای بر فراز کاخ وست‌مینستر، محل محاکمهٔ چارلز اول، قرار دهند. محصول این همهمهٔ سیاسی، قدرت‌گیری بیشتر پارلمان بود. این‌بار لابی‌گرها می‌بایست رضایت این نهاد را جلب می‌کردند.

قانون مطبوعات ۱۶۶۲

در سال ۱۶۶۲، پارلمان انگلستان قانون مطبوعات [انتشارات] را گذراند. این قانون هیچ ربطی به کپی‌رایت نداشت و در واقع، سانسور را نهادهینه می‌کرد. نام کامل آن، «قانون جلوگیری از تخلفات مکرر در چاپ کتاب‌ها و مقاله‌های بدون‌مجوز، تحریک‌کننده و خائنانه؛ و برای نظم‌دهی به انتشارات و نشر مطبوعات» بود.

این قانون به ممیزان دولت سلطنتی اجازه می‌داد تا با ورود و جست‌وجو در مکان‌های مشکوک، کتاب‌های غیرقانونی را مصادره کنند و روی محتوای انتشارات نظارت داشته باشد. برای متخلفان نیز جریمه و زندان در نظر گرفته شده بود. سخت‌گیری‌ها تا آن‌جا پیش رفتند که در عمل هیچ روزنامهٔ مهمی غیر از ژورنال درباری London Gazette امکان نشر نداشت. با اعتراض نمایندهٔ اسقف اعظم کانتربری به عنوان یکی از ممیزان، بخشی از نسخهٔ اولیه کتاب بهشت گمشده، نوشته جان میلتون، که اثری مسیحی و روایتی شاعرانه از سقوط انسان و داستان رانده‌شدن آدم و حوا از باغ عدن بود، سانسور شد و با حذف چند خط از آن، مجوز نشر گرفت.

قانون ۱۶۶۲ که قرار بود دو ساله باشد، برای سال‌های متمادی دیگر نیز تمدید شد اما این محدودیت‌ها، چیزی نبود که کاملاً به نفع اقتصادی کمپانی استیشنرز باشد. آن‌ها تلاش کردند تا پارلمان را قانع کنند که مسوولیت سانسور را تماماً به آن‌ها بسپارد.

اما پریدن از این شاخه به آن شاخه و حمایت مداوم از هر آن‌که قدرت برتر را در دست داشت، چیزی نبود که از چشم همه پنهان بماند. دست‌کم نه از چشم آدمی مانند جان لاک!

لاک، فیلسوف پرنفوذ دوران موسوم به روشنگری در انگلیس که از قضا یکی از پدران لیبرالیسم و حامی مالکیت خصوصی شمرده می‌شود، از یک سو با تمدید قانون ۱۶۶۲ به دلیل سانسور مخالفت کرد و از سوی دیگر تلاش کرد تا در برابر آن‌چه فساد سیستماتیک کمپانی می‌دانست، از آن‌ها خلع ید کند.

او در سال ۱۶۹۵ طی یادداشتی اثرگذار، مخالفت خود را با تمدید قانون ۱۶۶۲ اعلام کرد. ادوارد کلارک، رئیس کمیتهٔ حل اختلاف

گزارش

میان مجلسین اعیان و عوام نیز از دل‌بستگان لاک بود. در نهایت، در سال ۱۹۶۵ آن قانون برچیده شد و هم حق کیی‌رایت استیشنرز و هم میزان نفوذ بالای سانسور دولتی از میان رفت.

نخستین «قانون» کیی‌رایت

تلاش‌ها برای جایگزینی دوبارهٔ قانون ۱۶۶۲ از همان سال الغا، شروع شد: ۱۲ تلاش ناموفق! چند هفته بعد قانونی جدیدی به مجلس عوام پیشنهاد شد که چیزی نبود جز کیی همان قانون ۱۶۶۲ با چند اصلاح.

دست ناشرین مستقل باز شد و سیطرهٔ کمپانی استیشنرز از میان رفت. در این فرصت یک دوران طلایی برای روزنامه‌نگاری سیاسی نیز به وجود آمد و در کنار ژورنال درباری لندن گازت، چندین روزنامهٔ دیگر منتشر شدند.

استیشنرز دریافت که دورانی جدید فرا رسیده و دیگر نمی‌تواند امپراطوری سابق را مستقر کند. در این‌جا، موضوع دیگری را پر رنگ کرد: حق نویسندگان.

موضوع حق نویسندگان پیش‌تر نیز در منازعات پارلمانی مربوط به بررسی قانون ۱۶۶۲ مطرح شده بود اما تقریباً همه، حتی مدافعان استیشنرز نیز می‌دانستند که این کمپانی برای پدیدآورندگان اثر هیچ نقش خاصی غیر از دستمزدی اندک و امضای یک قرارداد، قائل نیست.

لیکن از سال ۱۶۹۵ به بعد، با ظهور ناشران مستقل و امکان تحصیل درآمد بیشتر برای نویسندگان، آن‌ها نیز خواستار یک قانون حمایتی برای حق مولف شدند. این امر بستری پدید آورد تا نخستین قانون کیی‌رایت به شکل امروزی با نام قانون ان یا Statute of Anne در سال ۱۷۰۹ تنظیم شود که یک سال بعد، در پی مباحث پارلمانی مفصل، تصویب شد. نام این قانون از ملکهٔ وقت بریتانیا، ان استوارت گرفته شده است.

نکتهٔ قابل توجه در این قانون، هدف آن است که از نام کامل آن هویداست: «قانونی برای تشویق آموختن، از طریق واگذاری حق نشر کتاب‌های چاپی در دست پدیدآورندگان یا خریداران این حق [از نویسندگان]، در طول زمانی که در این قانون قید شده است». قانون ان برای یک دوره ۱۴ ساله، «کیی‌رایت» قائل می‌شد. این دوران می‌توانست تنها یک بار و بنا بر درخواست و تحت شرایط خاصی، تمدید شود.

اهمیت قانون ان، غیر از «نخستین‌بودن»، این است که یک الگو برای قوانین دیگر در خود بریتانیا و چند کشور دیگر پدید آورد. یکی از کشورها، آمریکای تازه تأسیس در آن زمان بود.

آمریکا و قوانین کیی‌رایت

ایالات متحده آمریکا در زمان اعلام استقلال، به‌شدت تحت تأثیر کانون‌های اندیشه در اروپا، به‌ویژه انگستان، بود. اندیشه‌های متفکران بریتانیایی حتی در بناییهٔ اعلام استقلال و در قانون اساسی آمریکا به طور پر رنگی حضور دارد. از آن‌جا که کانون مناسبات

حقوق ما

سرمایه در دوران‌های بعد به آمریکا منتقل می‌شود، بررسی قوانین و مناسبات کیی‌رایت در این کشور نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

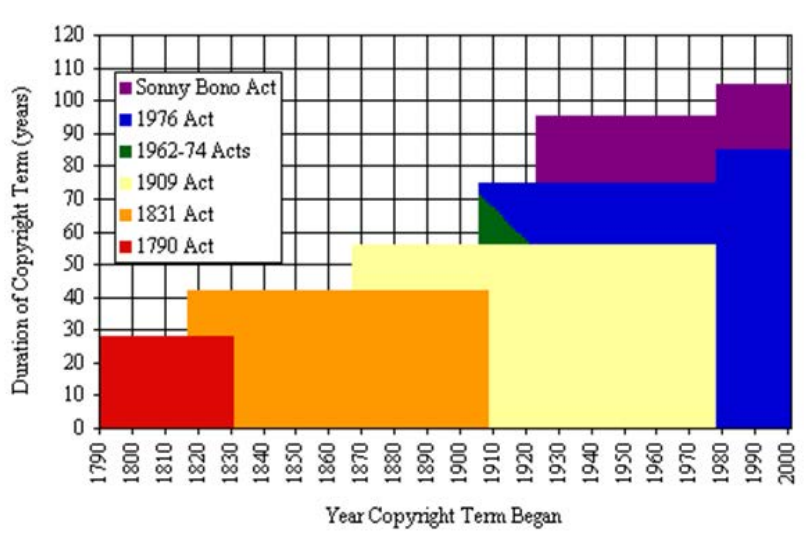
در سال‌های مابین ۱۷۷۶ (سال اعلام استقلال) تا تصویب قانون اساسی در سال‌های پایانی دهه ۱۷۸۰، برخی ایالت‌ها قوانینی محلی در این‌باره به تصویب رساندند؛ لیکن این حق پس از آن در قوانین پایه‌ای این کشور به رسمیت شناخته شد. نخستین قانون، بسیار شبیه به «قانون ان» بود و دقیقاً همان ۱۴+۱۴ سال را در بر می‌گرفت.

در ۱۸۳۱، این زمان تبدیل شد ۲۸ به اضافه‌ی ۱۴ سال؛ یعنی در جمع، ۴۲ سال. در سال ۱۹۰۹، زمان اعتبار قانون کیی‌رایت، تبدیل به ۲۸+۲۸ یعنی ۵۶ سال در جمع شد. این، تا دهه ۱۹۶۰ ثابت ماند اما با فشار بنگاه‌های انتشاراتی، از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۶، بارها و به سرعت تغییر کرد تا در این سال به «عمر خالق اثر باضافه ۵۰ سال یا ۷۵ سال پس از خلق اثر» رسید.

جدول زیر تغییرات قانون را تا زمان تصویب یک قانون مهم نشان می‌دهد: «قانون سونی بونو»

قانون سونی بونو: کمپانی قانون تعیین می‌کند

منبع نمودار: [این لینک](#)



از اوایل دهه ۱۹۹۰، کمپانی والت دیسنی لابی خود را برای افزایش مدت کیی‌رایت آغاز کرد. در واقع، آثار اولیهٔ شخصیت محبوب و پرفروش میکی ماوس، به زودی از شمول قانون کیی‌رایت خارج می‌شدند و سود سرشار فروش آثار مربوط به این موش محبوب، چیزی نبود که یک کمپانی بزرگ از آن به راحتی بگذرد.

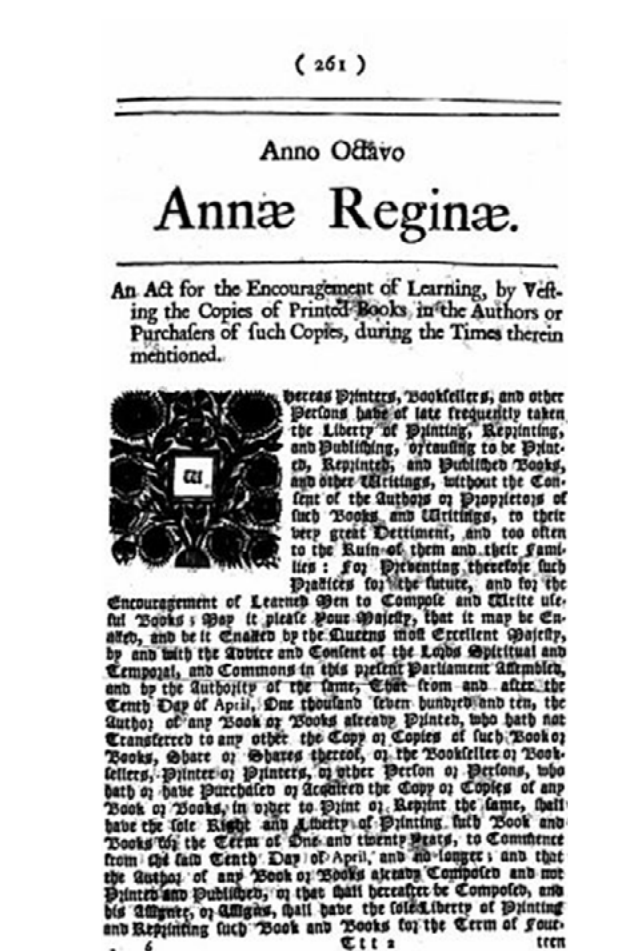
اندکی پیشتر، مخالفان کیی‌رایت جنبش‌های موسوم به کیی‌لفت را شروع کرده بودند که وجه تسمیهٔ آن از نوعی بازی با کلمات راست و چپ، در مقابله با پدیدهٔ انحصار سرمایه، می‌آمد. مع‌الوصف، لایحه‌ای که در محافل روشن‌فکری به طعنه «لایحهٔ حمایت از میکی ماوس» نام گرفت، نه تنها اعتراض طیف چپ، بلکه واکنش بسیاری از معتقدان به اقتصاد بازار آزاد را نیز در پی داشت.

سونی بونو، خواننده، نوازنده و فعال در عرصهٔ موسیقی بود که وارد

۱۳

جولای ۲۰۱۶/ مرداد ۱۳۹۵

حقوق ما



سیاست شد و از حزب جمهوری‌خواه به کنگرهٔ آمریکا راه یافت. او یکی از حامیان پر و پا قرص تمدید زمان اعتبار کیی‌رایت بود که اندکی پیش از تصویب قانون، در حادثه برخورد با درخت حین اسکی‌کردن، درگذشت.

مری بونو، بیوهٔ او سخن‌رانی غرایبی برای حمایت از قانون مذکور در کنگره داشت و در جریان آن گفت: «در واقع، سونی می‌خواست تا دوران کیی‌رایت ابدی باشد. کارکنان به من گفتند که چنین تغییری نقض قانون اساسی خواهد بود… همان‌طور که می‌دانید جک والنتی پیشنهاد داده که این دوران، به صورت ابد منهای یک روز نوشته شود [تا نقض قانون اساسی نباشد!]. شاید کمیته در کنگرهٔ بعدی نگاهی به این قضیه داشته باشد».

این طنز نبود؛ حتی حامیان پر و پا قرص اقتصاد بازار آزاد نیز زهر و خطر آن را دریافته بودند. از سوی دیگر، بسیار از اساتید علم حقوق نیز در این باره نظرات خود را ابراز کردند. یک استاد حقوق به نام پروفیسور دنیس کاربالا، رهبری مخالفان رشتهٔ خود با این قانون را در دست گرفت.

او در برابر کمیتهٔ قضایی کنگره قرار گرفت و در شهادت خود، گفت: «افزایش مدت حمایت از کیی‌رایت هزینه‌های گزافی را به مردم ایالات متحده تحمیل می‌کند و هیچ سود عمومی ندارد. لایحهٔ تمدید نشانگر خروج بنیادین از فلسفهٔ ایالات متحده درمورد قانون مالکیت معنوی است که همانا هدف آن خدمت به عموم مردم بود».

گزارش

مخالفان می‌گفتند که این کار تنها برای تأمین منافع شرکت‌های بزرگ است، خلاف روح قانون اساسی است و هیچ قرابتی با «ترغیب روند تولید علم و هنرهای مفید» مذکور در آن ندارد.

لیکن موافقان با توجه به تعهد اروپائیان به پیمان برن، بر لزوم برتری توازن اقتصادی نسبت به کشورهای این قاره تأکید می‌کردند؛ به تحولات جدید از جمله محصولات دیجیتالی، تلویزیون‌های ماهواره‌ای و امثال آن اشاره می‌نمودند و مباحث را در قوه قانون‌گذاری پیش می‌بردند.

در نهایت، موافقان افزایش طول مدت کیی‌رایت، بازی را بردند و نتیجه آن شد که کیی‌رایت برای نویسندگان، تمام دوران عمر آن‌ها باضافه ۷۰ سال و برای مالکیت شرکت‌ها، ۱۲۰ سال بعد از خلق اثر یا ۹۵ سال بعد از نشر (هر کدام که زودتر فرا رسد) باشد.

قلب روح کیی‌رایت

طی آن‌چه در تاریخ تحول قوانین مربوط به کیی‌رایت در بریتانیا و سپس آمریکا دیدیم، روندی از قلب منظور اولیهٔ قانون‌گذاران مشاهده می‌شود. این امر، به جنبش‌های کیی‌لفت و تولید اجازه‌نامه‌های مختلف عمومی جانی دیگر داد. برخی از این اجازه‌نامه‌ها در صنعت جدید آی‌تی به کار گرفته شدند و به سرعت محصولات‌شان به رقیبی برای کمپانی بزرگ تبدیل شدند.

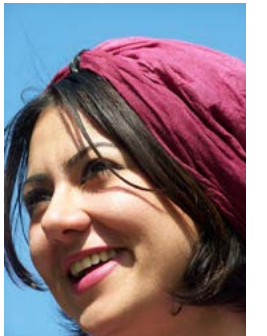


شرح عکس: تصویری که از جانب بسیاری از مخالفان قانون سونی بونو استفاده شد؛ این تصویر گوشه‌های میکی ماوس، علامت کپی‌رایت و علامت بینهایت را نشان می‌دهد و دایره-خط قرمز نشانگر مخالفت با آن است.

تمسک به قانون و مجالس قانون‌گذار برای منافع اقتصادی، خطری بزرگ برای این قلب ماهیت به شمار می‌رود. سخن مری بونو، بیوهٔ سونی بونو، که در پی مرگ او به کنگره راه یافت و تا سال ۲۰۱۲، هفت دورهٔ دیگر نیز قانون‌گذاری کرد، هنوز زنگ خطر محافل حقوقی است: اگر کیی‌رایت ابدی مخالف قانون اساسی است، ابد منهای یک روز، زمان دوری نیست.

آسیب‌های اجتماعی عدم رعایت کپی‌رایت و نبود ساز و کارهای محدودکننده

در گفت‌وگو با سعید پیوندی



آیدا فجر

در سال ۱۳۴۴ فصل‌نامه «بررسی کتاب» که در ایران منتشر می‌شد متن کامل کنوانسیون بین‌المللی کپی‌رایت را ترجمه و چاپ کرد. شماره‌های بعدی این نشریه به ترجمه و انتشار پروتکل‌های همین کنوانسیون اختصاص پیدا کرد تا به شکل کامل در اختیار مخاطبان قرار گیرد. اما نه حکومت وقت و نه ناشران و نویسندگان ایرانی به آن روی خوشی نشان دادند و حالا طبق روال همیشه، هم آثار هنری و ادبی به سرقت می‌رود و هم تقلید و عدم خلاقیت را در حوزه‌های دیگر شاهد هستیم. هرچند بدون داشتن مکانیزم‌هایی قدرتمند نمی‌توان از آثار منفی کپی‌رایت مثل انحصار جلوگیری کرد.

خرداد ماه سال ۱۳۵۳ بود که احمد شاملو طی مقاله‌ای در «آیندگان ادبی» پیوستن ایران به پیمان جهانی کپی‌رایت را متنافر با «منافع مادی و معنوی» تحلیل کرد که اقدام به آن «می‌تواند به سیاستی ضد فرهنگی تعبیر شود». در سال‌های گذشته نویسندگان بسیاری از جمله محمود دولت‌آبادی نیز نسبت به پیوستن ایران به این کنوانسیون جهانی معترض بودند اما طی سال‌های اخیر که سانسور، ترجمه‌های موازی و نشر آثار ادبی بدون مجوز نویسنده رونق بیشتری پیدا کرده، کمتر اهل ادبی را می‌توان یافت که مخالف این امر باشد.

این در حالی‌ست که گفته می‌شود ایران می‌خواهد برای استفاده از تعرفه‌های گمرکی به سازمان جهانی تجارت بپیوندد که اعضای آن موظفانند به قانون کپی‌رایت تن دهند. کشورهای عضو این سازمان از مزایای گمرکی و



تخفیف‌های ویژه بهره‌مند هستند و برای همین دولت چین نیز با تمام محدودیت‌ها، در فوریه سال ۲۰۱۰ ناچار به پذیرش قانون جهانی کپی‌رایت شد.

از سوی دیگر طی ماه‌های اخیر که بحث دزدی اثر ادبی شدت پیدا کرده، بسیاری معتقدند آثار ادبی ایران جلوه و جایگاه بلندمرتبه‌ای در جهان ندارد. این در حالی‌ست که صرفاً در خصوص جایزه نوبل ادبی، کمیته بررسی آثار ادبی، هیچ اثری را که کشور نویسنده آن عضو کپی‌رایت نباشد، بررسی نمی‌کند.

البته بود یا نبود کپی‌رایت صرفاً محدود به حوزه فرهنگ و ادب نمی‌شود. همین مساله را در مورد اپلیکیشن‌ها، مقالات دانشگاهی، موسیقی و هنر و شاید بتوان گفت در زیر و بم زندگی ایرانی‌ها می‌توان مشاهده کرد. مساله‌ای که آسیب‌های اجتماعی بسیاری به همراه دارد.

گاه بسیار رایج است.

نتایج اجتماعی عدم رعایت کپی‌رایت را می‌توان در تمامی حوزه‌های هنری، عملی، تکنیکی و فن‌شناسانه مشاهده کرد. برای همین است که امروز قانون کپی‌رایت به چهارچوبی مهم و اساسی، هم برای صیانت از حق صاحب اثر و هم برای به وجود آوردن فضای رقابت قانونی تبدیل شده تا افراد بتوانند خلاقیت و شایستگی خود را بدون استفاده از راه‌های کوتاه، میان‌بر یا تقلب نشان دهند یا به پول و مقامی برسند.

به عقیده این جامعه‌شناس، نبود قانون کپی‌رایت در جامعه باعث پایین آمدن سطح توقع از «آفرینش» و «کار خلاق» می‌شود چرا که افراد به دنبال «خلاقیت» نیستند بلکه «تقلید» و «تقلب» به سکه رایج بازار فرهنگ، هنر و علم تبدیل می‌شود و شما باید دایم مراقب این باشید که چه چیزی اصیل و واقعی است و چه چیزی نسخه‌برداری و تقلبی: «اتفاقی نیست که وقتی جوامع را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم، در جغرافیاهایی که قوانین کپی‌رایت قوی‌تر است و افراد جامعه به این چهارچوب عمومی تن می‌دهند شاهد کارآیی، خلاقیت و آفرینش بیشتری هستیم؛ در حالی که در جوامعی که این قانون وجود ندارد یا به خوبی رعایت نمیشود و به جای هرج و مرج موجود است، خلاقیت کم‌تری نیز ایجاد می‌شود».

با نگاهی کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که تفاوت وجود یا عدم وجود قانون کپی‌رایت در هر جامعه‌ای در به وجود آوردن فضای مناسب برای کار خلاقانه و رقابت سالم است. به باور پیوندی، عدم وجود قانون کپی‌رایت در حقیقت نوعی «تنبلی فرهنگی، فکری و تکنولوژیکی به وجود می‌آورد».

در مقابل طرفداران کپی‌لفت معتقدند که اهداف آن‌ها در جهت ترویج آگاهی‌ست و در دنیای سرمایه‌داری نمی‌توان از آثار منفی کپی‌رایت که می‌تواند انحصاری شدن را به دنبال داشته باشد یا محصول با قیمت بالایی در جوامع توسعه‌نیافته یا کم‌تر توسعه‌یافته به فروش برسد و در اختیار منفعت عمومی قرار نگیرد، جلوگیری کرد. سواستفاده‌های اقتصادی و به حداکثر رساندن سودهای اقتصادی از جمله

سعید پیوندی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «حقوق ما» معنای اولیه رعایت کپی‌رایت را چنین تعریف می‌کند: «کپی‌رایت به معنای ثبت رسمی یک اثر به نام آفریننده آن، به رسمیت شناختن حق مالکیت صاحب اثر و جلوگیری از دستبرد به آن توسط دیگران است. به عبارت دیگر کسی نمی‌تواند با نسخه‌برداری و یا دزدی اثری علمی، هنری و یا فرهنگی فرد دیگری را به اسم خود به ثبت برساند و حاصل فعالیت او را به شکل غیرقانونی و تقلبی تصاحب کند. پذیرش و عملی کردن این حق قانونی در دهه‌های اخیر به دلایل گوناگون کار آسانی نبوده است. در ایران حقوق افراد در این حوزه‌ها کم رعایت می‌شود برای همین آثار هنری و فرهنگی همیشه در خطر دستبرد دیگران قرار دارد و فرهنگ این کار هم به کندی رشد می‌کند و دستبرد از جمله در حوزه دانشگاهی و پایان‌نامه‌ها

نتایج ثانویه منفی کپی‌رایت به شمار می‌رود که به اشاره پیوندی زمانی شدت پیدا می‌کند که در جامعه‌ای به اندازه کافی «فرهنگ» و «دانش» دموکراتیک نشده باشد. به بیان او زمانی که در یک جامعه فرهنگ و دستاوردهای علمی دموکراتیک شده باشد، عموم افراد بتوانند به محصولات دسترسی داشته باشند، انحصاری ایجاد نشده باشد یا دسترسی به این محصولات نیازمند امکانات مالی و توانایی‌های فوق‌العاده نباشد «می‌توان تا اندازه زیادی نتایج منفی کپی‌رایت را محدود کرد».

به عقیده پیوندی در حوزه‌ی صنعتی و نظامی به هیچ‌وجه نمی‌توان وارد بحث شد چراکه یک نوآوری علمی و فنی دارای بعد اقتصادی و مالی مهمی است پس از ثبت یک اختراع رقابت بر سر خرید آن آغاز می‌شود: «یک اختراع و نوآوری علمی و فنی گاه مستلزم سرمایه گذاری سنگینی است و پس از ثبت این نوع از اختراع این‌که چه شرکتی خریدار محصول باشد یا چقدر برای آن پول بپردازد موضوع حساس و مهم است. وقتی حفاظت قانونی وجود داشته باشد، به مخترع و یا موسسه ای که صاحب امتیاز یک نوآوری است این امکان داده می‌شود که وارد معامله اقتصادی شود و در عین‌حال از انحصاری که به دست آورده برای کسب پول خیلی زیادتر استفاده کند».

البته موارد دیگری هم خلاف این اتفاق وجود دارد که به عقیده پیوندی به «وجدان» و «اخلاق فردی» مخترع برمی‌گردد. به عنوان نمونه چندی پیش یک پژوهشگر حوزه کشاورزی در فرانسه ماده‌ای اختراع کرد که می‌تواند استفاده آب برای گیاهان را به یک پنجم تقلیل دهد. این مخترع در گفت‌وگویی عنوان کرد که این ماده را ثبت کرده اما نمی‌خواهد آن را به شرکت‌های بزرگی بدهد که از این راه پول در می‌آورند بلکه هدف او از این اختراع، تولید ابزاری بوده که بتواند به شکل دموکراتیک در اختیار اکثر جوامعی که با مشکل آب سر و کار دارند، قرار بگیرد. این موضوع به ویژه در رابطه با حوزه پزشکی و بیماریها بسیار اهمیت دارد چراکه انحصار، پی آمدهای بسیار منفی بر سلامت عمومی دارد. وقتی داروی ضد این یا آن سرطان یا بیماری مانند ایدز کشف می‌شود، رویکرد سودجویانه و بهره‌برداری مالی در عمل هزاران انسانی را که می‌توانستند سلامت خود را بازپابند را از دسترسی به درمان با قیمت مناسب محروم می‌کند و این در دنیای امروزی قابل قبول نیست.

در عین‌حال شرکت‌هایی نیز هستند که برای فروش و

کسب درآمد و سود بیشتر اختراع می‌کنند. به عنوان نمونه، شرکت‌های بزرگ مثل گوگل، مایکروسافت یا شرکت‌های صنعتی صدها بورس در اختیار دانشجویان مقطع دکترا قرار می‌دهند تا گوشه‌ای از یک فعالیت را برای همان شرکت به انجام برسانند. این دانشجویان نیز تعهد می‌کنند که دانشی که از تحصیلات آن‌ها تولید می‌شود به خودشان تعلق ندارد و متعلق به شرکتی‌ست که پول تحصیل و مراحل تولید را پرداخته است.

به عقیده پیوندی این‌ها نمونه‌هایی است از کپی‌رایت‌های صنعتی، علمی و تکنولوژیک که وارد مباحث اقتصادی شده و در دنیای امروز عاملی اساسی اقتصادی است که همه چیز آن به پیشرفت علم و تکنولوژی وابسته است اما «کار زیادی در حوزه فن آوری نمی‌توان در این قبال انجام داد چراکه حقوق آن بسیار محافظت شده است و آدم‌ها و قدرت‌های بزرگی از آن پشتیبانی می‌کنند. امروز علم و تکنولوژی نیز به کالایی مهم تبدیل شده اند و نوآوری علمی و فنی هزینه سنگینی دارد و رقابت بین‌المللی هر نوع دموکراتیزه کردن این حوزه را دشوار و حتی غیر ممکن ساخته‌اند و این وضعیت گاه در برخی زمینه‌ها به ویژه آنچه که به سلامت انسان و محیط زیست مربوط است وضعیت تاسف‌باری به وجود آورده است».

در واقع انحصاری شدن مواردی که منفعت عمومی را در پی دارد می‌تواند کپی‌رایت را به مساله‌ای منفی و قابل انتقاد تبدیل کند. همان‌طور که پیوندی از آن مثال می‌زند: «می‌توان گفت تلفن‌های موبایلی که خیلی هم پیشرفته نیستند، به سلامت عمومی لطمه‌ای نمی‌زنند؛ اما وقتی داروی ایدز کشف می‌شود و در اختیار کارخانه‌ای قرار می‌گیرد که این دارو را به قیمت گران در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد و در مقابل صدها بیمار نمی‌توانند از آن استفاده کنند، بعد اقتصادی و سودجویانه‌ی کپی‌رایت جلوه می‌کند».

این جامعه‌شناس معتقد است که اگرچه بودن کپی‌رایت یک «ضرورت» است اما «حتما باید مکانیزم‌هایی ایجاد شود که بتواند سواستفاده و سودجویی‌های کلان را محدود کند. ما امروز در دوران و روابط سرمایه‌داری هستیم که هیچ‌کس به نصیحت‌ها گوش فرا نمی‌دهد. هرکس که می‌خواهد برای به دست آوردن منفعتی مذاکره کند، ناچار است رفتار اقتصادی حساب‌شده‌ای داشته باشد».

کپی رایت اسلامی، فقط برای مصرف داخلی



نعیمه دوستدار

در یک نگاه تاریخی، شاید بتوان گفت که مساله حق مولف در اسلام با نسخه‌برداری از قرآن آغاز شده است و به طور رسمی تاریخش به دوران بنی امیه برمی‌گردد. این روند با دادن جوایز به کاتبان قرآن و حدیث از سوی خلفای اسلامی، به ویژه عمر بن عبدالعزیز، قوت گرفت و با آغاز نهضت ترجمه در دوران مأمون عباسی، نسخه‌برداری از کتب مؤلفان به یک شغل پردرآمد تبدیل شد اما نقض حق و حقوق مولف، موضوعی در فقه اسلامی نبود و در روابط اجتماعی، به هشدار کلامی مبنی بر منع دخل و تصرف و وعده عقوبت اخروی برای تصرف‌کنندگان محدود بود.

به طور کلی در فرهنگ اسلامی، گسترش معارف یک مسوولیت شرعی به حساب می‌آمد و ترویج آن لازم دانسته می‌شد. به همین دلیل نشر علم به شکل‌های مختلف تشویق و تحسین می‌شد و حتی گرفتن اجرت برای آن ممنوع بوده است. البته بعدها با این استدلال که آنچه به فروش می‌رسد، کاغذ و ورق است، فقها به جواز آن حکم داده‌اند.

اما مساله کپی رایت در مفهوم معاصر آن مساله‌ای تازه برای فقه اسلامی است و به همین دلیل در متون فقهی سابقه تاریخی ندارد. فقهای معاصر، مسایلی مانند این را جزو «مسایل مستحدثه» می‌دانند و در رویکرد به آن فقیهان دو دسته‌اند؛ گروهی با آن مخالف و گروهی موافق‌اند. موافقت‌ها اغلب برای گسترش معارف اسلامی است و نه به دلیل حمایت از حقوق مولفانی که ممکن است غیر مسلمان باشند و مخالفت‌ها اغلب

آنجا برجسته‌تر می‌شود که پای نشر آثار مولفان خارجی و امضای قراردادهای بین‌المللی به میان می‌آید.

موافقان: تألیف ارزش مالی دارد و شرعی است

موافقان حق تألیف، می‌گویند که ارزش اشیا، از اعتبارات عقلایی است و شرع اسلام آن را محدود نمی‌کند. آنها اختراع و ابتکار را داری ارزش مالی می‌دانند که از نظر شرعی اعتبار دارد. صاحبان آثار، حق هر نوع تصرفی در آن را دارند و تجاوز به حقوق آنها جایز نیست. در این معنا حق مؤلف یا حق ادبی، از نظر شرع محترم است.

حق تألیف هم با اینکه قبلا وجود نداشته، اما اکنون که کتاب تبدیل به موضوعی قابل معامله شده و شخص مولف می‌تواند از منافع مالی آن استفاده کند، به موضوع فقها تبدیل شده است. موافقان معتقدند که با شرایط جدید، مؤلف این حق را پیدا کرده که از منافع مادی کتاب، خود استفاده کند و استفاده دیگران را مشروط به موافقت خود بداند.

آنها می‌گویند امروز نمی‌توان گفت کسی که کتابی خرید و مالک آن شد، طبق قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» اجازه دارد کتاب را بدون اجازه مؤلف و ناشر چاپ کند؛ زیرا قاعده تسلیط فقط اجازه می‌دهد که انسان در اموال خویش تصرف کند اما مجاز نیست در حقی که دیگران (در اینجا مؤلف و ناشر) از آن خود می‌دانند، تصرف کند.

سیدمحمدحسن مرعشی، در کتاب «دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری» می‌گوید که «اگر چنین حق خصوصی‌ای را از مؤلف و ناشر سلب نماییم، حقوق بسیاری از آنها تضییع گردیده و هرج و مرجی در انتشارات به وجود می‌آید که از نظر شرع و عقل قابل پذیرش نیست».

ناصر مکارم شیرازی هم در همان کتاب می‌گوید که «حق طبع و تألیف و اختراع و مانند آن، یک حق شرعی و قانونی است و از نظر اسلام باید به آن احترام گذاشت. یا به تعبیر دیگر، اهمیت مالکیت‌های فکری کم‌تر از مالکیت‌های عینی نیست و حکومت اسلامی باید عهده‌دار حفظ آنها باشد».

به همین دلایل است که موافقان حقوق مولف، نشر آثار علمی دیگران، بی‌اذن صاحبان آنها را اکل به مال باطل و حرام می‌دانند.

مخالفان: کپی رایت خلاف قوانین مالکیت در اسلام است

در مقابل این رویکرد، گروهی از فقها با حقوق مولف به معنای امروزی آن موافقتی ندارند.

سیدمحمد خامنه‌ای، در کتاب «ماهیت مالکیت معنوی از دیدگاه فقه امامیه»، مالکیت فکری را به وقف خاص شبیه دانسته است. در همین اثر از قول مخالفان آمده که به دلیل همین شباهت

در ایران ده‌ها برابر قیمت اصلی است، می‌گوید: «ایجاد یک امر معنوی؛ مانند تألیف کتاب، اختراع یک دستگاه و یا تولید یک نرم افزار برای شخص ایجاد کننده، حق خاصی را به وجود می‌آورد که بدون اجازه صاحب حق نمی‌توان از محصول معنوی وی استفاده کرد. اگر تولید کننده غیر مسلمان باشد، رعایت حق معنوی وی منوط به قراردادی است که بین کشور اسلامی و کشور متبوع وی منعقد می‌شود».

این مرجع تقلید اما درباره آثار غیرمسلمانان با توجه به شرایط ذکر شده در سوال، استثنا قایل است: «در فرض مزبور رعایت حق معنوی لازم نیست؛ زیرا نه تنها قراردادی با دولت مزبور برای رعایت حقوق معنوی وجود ندارد، بلکه حقوق فراوانی از ملت ایران توسط آن دولت تضییع شده است».

با این حال حتی علی خامنه‌ای هم معتقد است که در نسخه‌برداری و تکثیر سی دی حقوق صاحبانش باید از طریق کسب اجازه از آنان رعایت شود و خرید آن خالی از اشکال نیست و رعایت مقررات و قوانین مربوط به آن لازم است.

او در استفتایی بیان کرده که احتیاط واجب نخریدن این محصولات است. در موارد احتیاط واجب، مکلف می‌تواند به مجتهد دیگری که از نظر علمی و توان استنباط احکام در مرتبه بعد از این مجتهد قرار دارد و در این مسأله صاحب فتواست مراجعه کرده و به فتوای او عمل کند.

مکارم شیرازی، مرجع دیگری است که در این زمینه اظهار نظر کرده و چنین فتوا داده است: «حق تألیف و همچنین حق نشر از حقوق عقلانیه است و عدم رعایت آن در عرف عقلا ظلم محسوب می‌شود؛ بنا بر این حرام است و اگر نام مولف تغییر داده شود، علاوه بر گناه ناشی از ظلم، متضمن گناه ناشی از دروغ نیز هست».

او حق الطبع و حق التألیف و همچنین حق استفاده از اختراعات، را حقوق معتبری می‌داند که تجاوز به آن جایز نیست.

اما در مجموع، برای رعایت حقوق نویسندگان، ناشر، مخترع، تولید کننده و... در ایران، تنها مرجع معتبر قانونی است که به عنوان «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» وضع شده و یک موضوع شرعی و داخلی محسوب می‌شود. اما درباره آثار منتشر شده در خارج از ایران و از سوی مؤلفان و ناشران غیر ایرانی، با توجه به اینکه ایران عضو هیچ یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به حق تکثیر نیست، در سازمان تجارت جهانی تنها ناظر است و به موافقتنامه تریپس هم نپیوسته، عملاً رعایت کپی رایت این آثار منع قانونی ندارد؛ چون اغلب فقها در این زمینه ملاک عمل را قراردادی می‌دانند که با آن کشور مبدأ منعقد شده است؛ قراردادی که میان ایران و کشورهای دیگر وجود خارجی ندارد.



پاسخ داد: «حق تألیف درباره مولفین و مصنفین داخل کشور، امری منطقی است، لیکن انعقاد قرارداد مقابل این حق با کشورهای دیگر را در حال حاضر مفید و به مصلحت نمی‌دانم، بلکه به ضرر و بر خلاف مصلحت می‌دانم».

اما هنوز هم فقها، نظرات متفاوتی درباره محصولات خارجی که شامل حق کپی رایت می‌شوند، دارند. به عنوان نمونه، آیت‌الله بهجت درباره کپی سی دی‌های تولید داخل و تولید خارج گفته: «بنا بر احتیاط واجب (تولید سی دی) برای تولید کنندگان آنها حق ایجاد می‌کند و تکثیر آنها بدون اجازه بنا بر احتیاط واجب جایز نیست».

البته تمام مراجع در صورتی که در ضمن معامله نرم‌افزار، فروشنده (تولیدکننده اصلی) عدم تکثیر و کپی آن را شرط کند یا عقد را مبتنی به آن قرار دهد، تکثیر آن را غیر مجاز دانسته و می‌گویند: «اگر برای منع تکثیر نرم افزار، قانونی وجود داشته باشد باید رعایت شود».

اما آیت‌الله هادوی تهرانی، فقیه شیعه درباره رعایت کپی رایت نرم‌افزارهای خارجی مانند ویندوز و مجموعه آفیس مایکروسافت که در ایران کپی رایت آنها رعایت نمی‌شوند و قیمت اصل آنها

به وقف خاص، نویسندگان حق تألیف مالی ندارند و ناشران مسلمان با هر کمیت که بخواهند می‌توانند آنها را چاپ و توزیع کنند تا معارف اسلامی ترویج شوند.

روح‌الله خمینی و میرزا جواد تبریزی هم کپی رایت را مشروع نمی‌دانند؛ چراکه از نظر ایشان «آن‌چه که معروف به حق طبع شده است، حق شرعی به حساب نمی‌آید و نفی سلطه مردم بر اموال‌شان بدون اینکه هیچ‌گونه شرط و عقدی در میان باشد جایز نیست...».

به اعتقاد این مخالفان، حتی نوشتن جمله «حق چاپ و تقلید محفوظ است» به خودی خود حقی ایجاد نمی‌کند و باعث الزام دیگران نمی‌شود.

هم‌چنین روح‌الله خمینی به سند آنچه در کتاب صحیفه ج ۱۰، ص ۴۷۷، ۴۸۱ و صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۴۴ آمده، کپی رایت را در تعارض با قوانین مالکیت در اسلام می‌دانست: «کپی رایت جهانی نگاهی متفاوت با نگاه اسلام به مالکیت معنوی دارد و بیشتر در راستای حفظ منافع شرکت‌های بزرگ است. اسلام مالکیت خصوصی را در چارچوب حد و قیود مشخص می‌پذیرد، ولی سرمایه‌داری بی‌حد و حصر و انحصارات استثمارکننده و سیطره آن بر سرنوشت دارالاسلام را نفی می‌کند».

لطف‌الله صافی گلپایگانی هم در این زمینه گفته: «در زمان شارع مقدس هم تألیف و اختراع و ابتکار بوده، اما برای مؤلف و مبتکر و مخترع و محقق، حقی اعتبار نمی‌شده و شارع هم اعتبارِ نفرموده است و به عبارت اخری بنا بر عدم اعتبار بوده ... بناً علی کلمات ذکر، مشروعیت حقوق مذکوره را ثابت نمی‌دانیم».

هم‌چنین مخالفان معتقدند که کپی رایت در مورد آثار مؤلفان خارجی، باعث نقض قاعده «نفی سبیل» در اسلام می‌شود و عامل حاکم کردن کشورهای دیگر بر سیستم قضایی کشور است. این حاکمیت با توجه به بندهای معاهده کپی رایت مبنی بر الزام دستگاه قضایی به انجام پیگیری‌های حقوقی بین‌المللی مربوط ایجاد می‌شود و به این ترتیب با قاعده نفی سبیل در تضاد قرار می‌گیرد. مثالی که اغلب در این زمینه زده می‌شود این است که طبق این قانون، اگر یک ایرانی از کتاب یک اسرائیلی بدون اجازه استفاده کند، باید به او غرامت پرداخت کند.

کپی رایت اسلامی، یک موضوع داخلی

قانون‌گذار قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، بدون توجه به دیدگاه فقهای مخالف کپی‌رایت، قوانینی را برای حمایت از کپی‌رایت وضع کرده بود که اجرای آن پس از انقلاب اسلامی با مخالفت‌هایی مواجه شد.

موضوع این بود که طبق نظر آیت‌الله خمینی، رعایت حق مؤلف و حق چاپ الزام آور شمرده نمی‌شد. او در سال ۱۳۶۰ در پیام

خود به شورای عالی قضایی خواسته بود جلوی قوانین خلاف شرع گرفته شود. این موضوع موجب شد تا برخی از قضات دچار نوعی سرگردانی و بلاتکلیفی شوند و تا مدت‌ها برخی مستقیماً به فتوای او استناد می‌کردند.

در سال ۱۳۷۱ علی لاریجانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت، در نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضاییه با اظهار قوانین و مقررات مصوبی که حقوق ناشران و مؤلفان و مترجمان را محترم شمرده، و اشاره به این مطلب که برخی از محاکم بدون توجه به این قوانین با متخلفین برخورد نمی‌کنند، خواستار دستور لازم برای رعایت حقوق نشر، حق تألیف و حق نمایش فیلم‌های سینمایی و آثار سمعی و بصری شد. محمد یزدی، رئیس قوه قضاییه در پاسخ «قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» مصوب ۱۳۴۸ و نیز «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» و هر قانونی که چنین حقی را حمایت نماید لازم‌الرعايه اعلام کرد.

چند سال بعد، بار دیگر موضوع حمایت از کپی رایت و پیوستن به اسناد بین‌المللی توسط وزیر ارشاد وقت مطرح شد. در این رابطه از رهبر جمهوری اسلامی پرسش شد و خامنه‌ای چنین



آرش بهمنی

نزدیک به ۱۴ سال قبل، شورای عالی انفورماتیک ایران از دکتر صادقی نشاط - از استادان دانشگاه تهران - خواست تا پیش‌نویس قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای را تهیه کند. هر چند متن ارایه شده با ایرادات کارشناسان این حوزه مواجه شد، نهایتاً در سال ۷۹ به صورت قانون به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این قانون البته در ادامه قوانین پراکنده دیگری تصویب شد که حق تکثیر را در نظام حقوقی ایران تعریف می‌کند؛ قانون ثبت علائم تجاری (۱۳۱۰)، قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸)، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (۱۳۵۲) و در نهایت قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (۱۳۷۹). جنبه حمایتی این قوانین اما در این سال‌ها با وجود رویکردهای متفاوت، پراکندگی، هم‌گام نبودن با نیازهای روز و فقدان ضمانت‌های اجرایی بارها از سوی پدیدآورندگان آثار مورد اعراض قرار گرفته.

با این وجود در حال حاضر بدنه اصلی حمایت از حق تکثیر نرم‌افزارهای رایانه‌ای در نظام حقوقی ایران، همان قانون مصوب سال ۱۳۷۹ است. قانونی که به عقیده کارشناسان این حوزه، با وجود گذشت ۱۶ سال از تصویب، آثار اجرایی قابل ذکری از آن در جامعه دیده نمی‌شود. از علت‌های اصلی این ناکارآمدی، ضعیف بودن ضمانت اجرای کیفری و مدنی پیش‌بینی شده در این قانون است که جنبه بازدارنده این مجازات‌ها را از میان می‌برد.

در این قانون برای اشخاص حقوقی و جرایم سازمان یافته مسوولیت کیفری پیش‌بینی نشده و مساله صدور دستور توقیف نرم‌افزارهای موضوع جرم نیز نادیده گرفته شده. مجازات‌های مشخص شده در ماده ۱۳ این قانون، حبس از ۹۱ روز تا شش ماه و جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه

نرم‌افزار؛ متن‌های باز یا بسته

در این لایحه، حقوق نرم‌افزارها به عنوان بخشی از نظام کپی‌رایت در فصلی جداگانه تعریف و مشخص شده است. برخی از کارشناسان حقوق مالکیت فکری در ایران عقیده دارند لایحه جدید نسبت به قانون فعلی از امتیازاتی برخوردار است. از جمله این‌که در قانون جدید مفاهیمی مانند نرم‌افزار، پدیدآورنده نرم‌افزار و حقوق مادی و معنوی او و برخی اصطلاحات تخصصی این حوزه مانند مهندسی معکوس تعریف شده و همچنین اشکالات ماهوی قانون فعلی - از نظر اصول حقوق مالکیت فکری - مورد بازبینی قرار گرفته است.

به گفته کارشناسان حقوق مالکیت فکری، جرایم نقض کپی‌رایت در اکثر قوانین مشمول مجازات‌های سنگین از جمله حبس‌های طولانی می‌شود. مساله‌ای که به نظر می‌رسد نویسندگان لایحه جدید نیم نگاهی به آن داشته‌اند. در این لایحه برخلاف قانون فعلی، شروع جرم، تکرار جرم و جرایم سازمان یافته جرم‌انگاری و مجازات جرایم تشدید شده. با تصویب این لایحه مجازات نقض عمدی این قانون، حبس از ۹۱ روز تا سه سال و جزای نقدی از ۵۰ تا ۵۰۰ میلیون ریال خواهد بود. در کنار آن مجازات‌های تکمیلی مانند محرومیت از حقوق اجتماعی و محرومیت از اشتغال در حوزه کسب و کار موضوع قانون و برای کارمندان دولت مجازات انفصال از خدمت نیز پیش‌بینی شده است. این مجازات‌ها در جرایم سازمان یافته یک تا پنج سال حبس و جریمه نقدی آن ۹۰ تا ۹۰۰ میلیون ریال خواهد بود.

در مطرح شدن حمایت از حقوق نرم‌افزارها و پدیدآورندگان آن در جهان، بیل گیتس و همکارانش تلاش‌های زیادی کردند؛ در نتیجه این تلاش‌ها بود که حمایت از حقوق نرم‌افزارها وارد نظام حقوقی و سپس ذهنیت عمومی در امریکا شد. نخستین مطالعات در این باره در اداره کپی‌رایت



لایحه دیگری تنظیم کرد. این لایحه به مدت ۴ سال در کمیسیون‌های اصلی و فرعی هیات دولت مورد بررسی قرار گرفت و حالا نزدیک به دو سال است که در مجلس شورای اسلامی در انتظار تصویب به سر می‌برد.

در صورت تصویب قانون جامع حمایت از مالکیت ادبی - هنری، سایر قوانین در حوزه حق تکثیر منسوخ می‌شوند؛ از جمله قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای.

در سال ۸۴ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اندیشه تهیه قانونی جامع در حمایت از مالکیت ادبی - هنری، لایحه‌ای را در ۸۶ ماده نوشت که هیچ‌گاه به مجلس راه پیدا نکرد. این وزارت‌خانه بار دیگر در سال ۸۹ و در همکاری با شورای سیاست‌گذاری مالکیت فکری (که زیر نظر وزارت دادگستری فعالیت می‌کند) و اداره حقوقی صدا و سیما،

امریکا در سال ۱۹۶۴ شکل گرفت و دو سال بعد این اداره به طور رسمی حمایت از نرم افزارها را تحت نظام کپی‌رایت قرار داد. دامنه این حمایت‌های قانونی چند سال بعد به قوانین کشورهای اروپایی نیز رسید. در واقع تا سال ۱۹۸۵ اکثر کشورها، قوانین داخلی خود را در جهت حمایت از حقوق کپی رایت برنامه‌های رایانه‌ای تغییر دادند.

مجموعه این قوانین حمایتی در زمینه کپی‌رایت نرم‌افزارهای رایانه‌ای، محصول کنوانسیون برن است؛ معاهده‌ای بین‌المللی برای حمایت از آثار ادبی و هنری که اولین بار در شهر برن سوئیس در سپتامبر سال ۱۸۸۶ تصویب شد. کمی بعد از آن پیمان پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی شکل گرفت و در نهایت موافقت‌نامه تریپس، راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری از سوی سازمان تجارت جهانی (WTO) تهیه شد. در این موافقت‌نامه حداقل استانداردهای جهانی برای قوانین مربوط به انواع مالکیت فکری در کشورهای عضو WTO پیش‌بینی شده و مالکیت ادبی - هنری نرم‌افزار در کنار مالکیت صنعتی آن مورد حمایت قرار گرفته؛ بر اساس ماده ۱۰ تریپس «برنامه‌های کامپیوتری، خواه در کد منبع یا کد موضوعی، باید به عنوان یک کار هنری و به موجب کنوانسیون برن (۱۹۷۱) مورد حمایت قرار بگیرند».

هم‌چنین بر اساس ماده ۲۷ این موافقت‌نامه «ثبت اختراع در همه‌ی زمینه‌های تکنولوژیکی، برای کلیه‌ی ابداعات، محصولات و عملکردها، در صورت جدید بودن یا شامل یک اقدام ابتکاری و از قابلیت استفاده صنعتی برخوردار بودن، قابل اجراست». ایران یکی از امضاکنندگان پیمان پاریس است.

با وجود وضع این مقررات برای محافظت از حق تالیف یا تکثیر نرم‌افزارها، نباید فراموش کرد که امروزه بحث نرم‌افزارهای آزاد یکی از شاخه‌های مهم «کپی‌لفت» است. معتقدان به کپی‌لفت بر این باورند که تمام اثرهایی که مشمول حق تکثیر هستند و همچنین تمامی نسخه‌های بهبود یافته آن‌ها، باید به شکل عمومی و آزاد در اختیار همه قرار گیرند.

این گروه بر این باورند که کپی‌رایت و محدودیت‌های ناشی از آن، مانع رسیدن کالای تولید شده به دست صاحبان اصلی می‌شود. گروهی از آن‌ها از جمله به سخنی از کارل مارکس اشاره می‌کنند که زمانی نوشته بود: «حتی هنگامی که من فعالیتی علمی انجام می‌دهم، فعالیتی که به ندرت

با همکاری مستقیم با دیگران صورت می‌دهم، من فعالیتی اجتماعی انجام داده‌ام. این فعالیت تنها نتیجه تلاش من نیست همانند زبان که یک متفکر استفاده می‌کند و به من به عنوان یک محصول اجتماعی داده شده است».

گرچه کپی لفت در شکل ابتدایی خود برای نسخه‌ای از زبان برنامه‌نویسی بیسیک استفاده شد، اما این ریچارد استالمن، هکر و برنامه‌نویس بود که برای نخستین بار بیانیه‌ای برای تشریح مفهوم «نرم‌افزار آزاد» منتشر و مبارزه برای این حق را آغاز کرد. چنین نرم‌افزاری باید واجد حداقل ۴ شرط باشد: اجازه استفاده به هر منظور، مطالعه و (در صورت نیاز) تغییر در کدهای اولیه، بازنشر با اهداف تجاری و غیرتجاری از سوی کاربر و در نهایت اجازه انتشار نرم‌افزار بعد از تغییراتی که از سوی کاربر در آن رخ داده.

آن‌چه استالمن انجام داد، ابداع نوع جدیدی از قانون «کپی‌رایت» بود. بر این اساس کدهای یک نرم‌افزار از سوی نویسنده در اختیار همگان قرار خواهد گرفت و هر کس قادر خواهد بود تغییرات مورد نظر خود را روی آن انجام دهد، اما نسخه اصلی و نسخه تغییر یافته را در اختیار دیگران نیز قرار خواهد داد.

استالمن سپس اقدام به نوشتن سیستم عامل گنو کرد، سیستم عاملی که صد در صد رایگان است. در سایت گنو پیرامون نحوه کار این پروژه چنین توضیح داده شده: «هدف ما این است که به تمام افراد این آزادی را اعطا کنیم که نرم‌افزارِ گنو را ویرایش کرده و مجدداً منتشر کنند... ما به جای اینکه نرم‌افزار را بدون حق کپی‌رایت در اختیار عموم قرار دهیم، از «کپی‌لفت» استفاده می‌کنیم. کپی‌لفت می‌گوید که هر شخصی که نرم‌افزار را مجدداً منتشر کند، با یا بدون تغییر، باید این آزادی را برای نسخه‌های بعد حفظ کند. کپی‌لفت تضمین می‌کند که تمام کاربران آزادی را در اختیار دارند».

نرم‌افزار آزاد از دید استالمن چنین تعریف می‌شود: «نرم‌افزار آزاد، یک فلسفه است؛ یک جنبش است برای به دست آوردن آزادی‌های خاص برای کاربران نرم‌افزار بر پایه‌های اخلاقی. این پروژه تجاری نبود و هدفی مهم‌تر از سود مالی داشت. بسیاری از کامپیوترهای امروزی طوری طراحی شده‌اند که سازنده می‌تواند نرم‌افزار را ارتقا دهد، ولی کاربر نمی‌تواند آن را تغییر دهد. در چنان شرایطی، فایل اجرایی نرم‌افزار آزاد محسوب نمی‌شود، حتی اگر کد منبع آن آزاد باشد».

۲۶ آوریل هر سال، روز مبارزه با نقض کپی‌رایت و آگاهی‌بخشی در مورد فواید رعایت این قانون است

هر سال به شکل میانگین دو و نیم میلیون نفر به خاطر پیامدهای عدم رعایت کپی‌رایت، شغل خود را از دست می‌دهند

حجم خسارت مالی ناشی از عدم رعایت کپی‌رایت در سال ۲۰۱۵ به ۱,۷ تریلیون دلار در سطح جهان رسید

تلاش برای مبارزه با نقض کپی‌رایت ظرف چهار سال بین ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ نزدیک به ۱۴۰ میلیارد دلار گردش مالی و نیم میلیون شغل جدید ایجاد کرده است

روسیه برای شانزدهمین سال متوالی در صدر فهرست کشورهای است که به کپی‌رایت احترام نمی‌گذارند. رتبه‌های دوم تا دهم را چین، آرژانتین، کانادا، هند، الجزایر، اندونزی، اسرائیل، پاکستان و تایلند در اختیار دارند

بین کشورهای جهان، امارات متحده عربی بیشترین پیشرفت را در مبارزه با نقض کپی‌رایت ثبت کرده است. میزان نسخه‌برداری غیر قانونی در این کشور به ۳۶ درصد در سال ۲۰۱۲ رسید که این رقم از تمامی کشورهای اروپای شرقی و آمریکای جنوبی بهتر بوده و در قیاس با برخی کشورهای پیشرفته اروپای غربی مثل فرانسه (۴۰ درصد) و اسپانیا (۴۲ درصد) نیز جلوتر بوده است

در آمار سال ۲۰۱۵ خود، ایران را با ۲ میلیون و ۶۰۰ science مجله هزار داوولود غیرقانونی در صدر کشورهایی قرار داد که مقالات علمی را از اینترنت سرقت می‌کنند. چین و هند در رتبه‌های بعدی قرار دارند

بر اساس آمار وب‌سایت تورنت، بیشترین فایل‌هایی که به شکل غیرقانونی داوولود شده‌اند به سریال بازی تاج و تخت مربوط است. این سریال در حالی ۱۴ میلیون بار داوولود شد که آمار بینندگان تلویزیونی آن در آمریکا ۸ میلیون نفر است

مطابق آماری که گوگل اعلام کرده، در فوریه ۲۰۱۶ حدود ۷۶ میلیون درخواست برای حذف لینک به مطالب ناقض کپی‌رایت دریافت کرده که این رقم در ماه فوریه یک سال قبل ۳۴ میلیون بوده که نشان‌گر افزایش حساسیت‌ها نسبت به رعایت کپی‌رایت است.

سنگین‌ترین حکمی که تاکنون در زمینه عدم رعایت کپی‌رایت صادر شده از طرف دادگاه عالی آمریکا است. این دادگاه در سال ۲۰۱۱ شرکت مایکروسافت را به خاطر استفاده بدون مجوز از کدی word که یک شرکت کانادایی کوچک برای رفع ایرادهای برنامه تهیه کرده بود به پرداخت ۲۹۰ میلیون دلار محکوم کرد

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الكترونيكي تخصصي حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: علی مهتدی

تماس با مجله: mail@iranhr.net

